

بیانیه کانون صنفی معلمان و حقه بازیهای احمدی نژاد رئیس نظام سرمایه داری ایران

شمس الدین امانتی

حقه بازی و دروغ از اجزای لاینفک نظام سرمایه داری رژیم جمهوری اسلامی است. اطلاق کلمه حقه باز و دروغگو به رهبران این نظام، از نظر من توهین نیست. این صفات بینشی است اکتسابی که مسئولین این رژیم برای بقای خود و سیستم حکومتی مورد دلخواهشان به آن احتیاج دارند.

اگر اعضای کانون صنفی معلمان نسبت به این صفت مشخصه دست اندر کاران این رژیم توهم داشته باشند، مشکل است بتوان با وعده و وعید های این حقه بازان به اهداف خود برسیم. رژیم جمهوری اسلامی با فساد عجین و تولد یافته، این فرمول بندی ساده نصیحت به کسی نیست. این بینش یکی از خصوصیات بارز نظام سرمایه داری است. موقعیت شغلی و اجتماعی شما، بر خلاف خصوصیات نمایندگان نظام سرمایه داری با علم، صداقت و انسانیت عجین و تولد یافته. به همین دلیل به هنگام مذاکره جهت گرفتن حق و حقوق پایمال شده خودمان بایستی مواظب ترفندهای آنها باشیم، متأسفانه تا این تاریخ آنها از منانت و سعه صدر شما مسئولین کانون صنفی معلمان ایران سؤ استفاده کرده اند.

کسی چه میداند، شاید اینبار کلاه شرعی برای پس زدن فراخوان اخیر و برنامه های اعتراضی آن از طرف کانون به خامنه ای فرمانده کل دروغ گویان نظام اسلامی سپرده شده باشد؟ نگاهی گذرا به سعه صدر مسئولین کانون و روند مبارزه جاری جهت احقاق حقوق پایمال شده معلمان و دانش آموزان ایران با این رژیم بر طبق گفته های خودتان در سایتیهای که منعکس کننده فعالیت های صنفی شما است ضروری است. پروسه عدم اجرای نظام هماهنگ صحتی است بر این ادعا که قدمت آن، دست به دست کردن و عدم اجرای آن ۵ سال به تأخیر افتاد. خلاصه ای از این پروسه ۵ ساله به شرح زیر است.

در پاسخ به درخواست عمومی فرهنگیان، حداد عادل در سال ۸۳ از الزام دولت به ارسال طرح نظام هماهنگ به مجلس ظرف دو ماه سخن گفت! در این مدت هیچ اتفاقی رخ نداد. پس از دو سال تعلل از این وعده، در سال ۸۵ به هنگام تصویب لایحه. نامه معاون اول رئیس جمهور برای استرداد آن منتشر شد. که با واکنش اعتراضی ۳۰ هزار نفر از معلمین در مقابل مجلس مواجه شد، دولت ناچار شد در خواست خود را پس بگیرد.

در آخرین روزهای اسفند ۸۵ گفتند نیازی به تجمعات نیست. تمام مطالبات معلمان پرداخت میشود. در سال ۸۶ نه اینکه به وعده خود عمل نکردند بلکه برای جلوگیری از ادامه اعتراضات مجلس و مدرسه ها را تعطیل کردند. اما بر اثر فشاری های معلمان آزادیخواه این قانون توسط رژیم تصویب شد. پرداخت ها از این زمان قابل اجرا بود. این بار تدوین آئین نامه ها به عنوان عامل بعدی مطرح گردید. آئین نامه باید ظرف شش ماه تدوین می شد که این وعده نیز عملی نشد. مسئولین سال ۸۶ را هم با وعده های دیگری به سال ۸۷ پیوند زدند و البته قانون باز هم اجرا نشد.

فراخوان برای اجرای نظام هماهنگ و اعلام اعتصاب سراسری در اسفند سال ۸۷ در روزهای ۳، ۴، ۵ از جانب کانون صنفی معلمان و پشتیبانی عمومی از این حرکت در خود نگرانیهایی را به ذهن علاقمندان این فراخوان مبادرت میکرد، و آن اینکه رژیم از شگرد همیشگی خود (دروغ و حقه بازی) فراخوان این اعتصاب را به شکست بکشاند، که متأسفانه همین طور هم شد.

شب خیمه بازی احمدی نژاد و قسم خوردنهای دروغین او از شبکه سراسری تا کنون دوام آورده. در اولین روز اردیبهشت ۸۸ بیانیه ی دیگری از طرف کانون صنفی معلمان برای دومین بار با همان مضمون و درخواستها صادر شد. و برنامه های اعتراضی اسفند ماه ۸۷ را که به حالت تعلیق در آورده بود، از ششم اردیبهشت ماه ۸۸ به شرح زیر به اجرا خواهند گذاشت. ۱- روز یکشنبه ششم اردیبهشت ۱۳۸۸ معلمان محترم ضمن حضور در مدرسه و کلاس درس از تدریس خودداری نموده، دانش آموزان را نسبت به دلایل انجام این حرکت آگاه خواهند کرد.

۲- روز دو شنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۸۸ معلمان محترم ضمن حضور در مدرسه از رفتن به کلاس خودداری کرده، و در حفظ نظم کلاس و مدرسه با مدیران و معاونان محترم مدارس همکاری خواهند کرد.

۳- روز سه شنبه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ به عنوان روز اعتراض ملی معلمان نامگذاری شده، و تمامی معلمان از حضور در مدرسه خودداری خواهند نمود.

بدیهی است چنانچه حد اکثر تا پایان روز دهم اردیبهشت ۱۳۸۸ احکام جدید، مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری بطور کامل و از ۱/۱/۱۳۸۶ صادر نشود، حق برگزاری اعتراضات گسترده تر را خصوصاً در هفته ی معلم برای همکاران فرهنگی محفوظ میدانیم.

اظهار نظر قطعی در رابطه با قبول یا رد این قانون از جانب رژیم مشکل است، اما با توجه به تجارب همگی ما در عرصه های گوناگون مبارز برای احقاقی خواسته های برحقمان مشکل است رژیم زیر بار اجرای این قانون برود، بدون اینکه امتیازی نگیرد. معلمین زحمتکش ایرانی به قدمت عمر جمهوری اسلامی جهت خواسته های خود با این رژیم مبارزه کرده اند. بندرت حق آنها به رسمیت شناخته شده، بابت قبول بخش کوچکی از خواسته هایشان نیز با تهدید به اخراج، تعهد، تعلیق، انفصال از خدمت، زندان، شلاق، تهدید به مرگ و نمونه بارز آن صدور حکم اعدام برای فرزند کمانگر عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان کردستان مواجه شدند.

با توجه به روحیات، موقعیت شغلی، احساس مسئولیت در قبال دانش آموزان و خانواده های آنها و معلمین شریف و آزادیخواه ما اهل خوشونت نیستند. این خصوصیت همیشه از جانب رژیم دیکتاتور منش جمهوری اسلام به گروگان گرفته شده، مردم مبارز و خانواده های دانش آموزان بر این امر کاملاً واقف اند. ما ضمن پرهیز از هر گونه خشونت و راه حل مطمئن و کم خطر تری را بایستی با در نظر گرفتن تناسب قوا، اوضاع سیاسی، اجتماعی و محیط فعالیت خود انتخاب کنیم. به نظر من مناسبترین ظرف مبارزه در شرایط کنونی ایجاد تشکلی مستقل از دولت، با اتکا به همبستگی دیگر تشکلهای مستقل از

جمله: تشکل کارگران، زنان، دانشجویان و سایر جنبش های اجتماعی تحت ستم است. وارد شدن به فاز دوم در رابطه با عدم اجرای قانون مورد نظر شما و انتقال به سطح وسیعتری (هفته معلم) ایده ای شدنی و قابل اجرا است. در صورت عدم اجرای قانون مورد نظر شما در مرحله دوم، آیا نمیتوانیم مرحله سوم را به فاز اول ماه مه، روز کارگر بکشانیم؟ نه اینکه این روز هم، روز خود شما کارگران مزد بگیر است؟ آیا استفاده از اعتبار جهانی این روز و درخواست پشتیبانی از کارگران ایرن و جهان امری شدنی نیست؟ آیا شرکت در مراسمهای این روز جهانی با پلاکاردها و خواسته های مشخص خودتان و دست در دست سایر رفقای هم طبقه ای خود جهت احقاقی درخواستهای روایتان از امتیاز و پشتوانه محکمتری برخوردار نخواهد بود؟

این امکان را از دست ندهیم، این حرکت را به تجربه ای برای آینده و به سنتی جا افتاده به ثبت برسانیم. اکثریتی از یک میلیون و دویست هزار معلم اشتغال بکار را که با احتساب خانوادههایشان به بیش از پنج میلیون نفر خواهند رسید را، در روز کارگر در سراسر ایران بسیج کنید.

شرکت شما در این روز منوط به عدم قبول خواسته هایتان از جانب رژیم نیست، در غیر این صورت هم، وظیفه طبقاتی شما حکم میکند، برای پشتیبانی و تثبیت شعار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی و جهت هر چه با شکوه تر برگزار کردن این روز، در پیشاپیش صفوف معترضین به نظام سرمایه داری شرکت فعال خود را مثل همیشه به اثبات رسانید.

مشتاق دیدارتان هستیم

پیروز باشید

شنبه ۵ اردیبهشت ۸۸